



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۹۹		۹۹
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	له ایران سالیانه ده تومان تاریخ ، دوازده تومان
جلسه ليله يكشنبه	خواهد بود	قیمت تك شماره
بهمن ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	يك تراف
مطابق ۹ رمضان	مطبوعه مجلس	
۱۳۴۸		

رئیس - بفرمائید

ملك مدني - آقای فولادوند را غائب بی اجازه نوشته اند خواستم عرض کنم که اجازه خواسته بودند و در این جلسه تصویب شد.

رئیس - اصلاح میکنیم. آقای طاهری

دکتر طاهری - آقای دولتشاهی را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان توسط بنده استجازه کرده اند و تصویب هم شده است

رئیس - اورا گویا بد شنیده اید یا اجازه نوشته اند اشتباه شنیده اید. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در دستور عرض دارم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
(نمایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

جمعی از نمایندگان - دستور. دستور.

فیروز آبادی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده اجازه میخواهم از آقایان که بعضی عریضی که عقیده همه آقایان است عرض کنم و تذکر بعضی امورات نفع است که در سکوتش نیست از این جهت بنده اجازه میخواهم عریض خود را تذکر بدهم انشاء الله امید وارم که هم بوظیفه خودمان عمل کرده باشیم و نتیجه هم امید وارم داشته باشد و بی نتیجه نباشد. یکی میخواهم عرض کنم که بقانون اسلام بلکه هر مذهبی حفظ نفوس محترمه بر هر کس واجب است... (صدای زنگ)

رئیس - فقط راجع به لزوم مذاکره قبل از دستور باعدم ورود در دستور بفرمائید.

فیروز آبادی - خوب بنده بعضی عریض است که

میخواهم عرض کنم و بعضی از آقایان هم همین طریق و چون موقع دیگری بجهت عرض آن عریض نیست بجز قبل از دستور امید وارم آقایان اجازه بدنند که بنده عریض خود را بکنم اگر هم میدانند که کاریزید داریم عرض کرده ام جلسات را زیاد بکنید هفته در جلسه سه جلسه پنج جلسه و شش جلسه بکنید که بنده مطالب گفته شود بنده استدعا میکنم و خواهش میکنم که اجازه بفرمایند بنده عریض خود را عرض کنم

رئیس - آقای زوار شما میخواهید در ورود در دستور اظهار کنید؟

زوار - بلی

رئیس - بگوئید آقا

زوار - عرض کنیم که مذاکرات قبل از دستور بجز تجربه این دودوره که بنده اینجا بوده ام و افتخار عضویت مجلس شورای ملی را داشته ام معلوم شده است که هیچ مؤثر نبوده است (فیروز آبادی - چرا مؤثر نبوده است) و مخصوصاً خود بنده مصر بودم که عریض قبل از دستور عرض کنم بعد ملتفت شدم که عریض قبل از دستور همیشه راجع به اجرائیات است یعنی بابتی اینجا همیشه مطالبی را بعرض مجلس برسانم بالاخره راجع است به هیئت دولت و در نظامنامه داخل مجلس مصرح است یا باید وکیل از دولت سؤال کند و یا استیضاح کند و ممکن است مذاکرات قبل از دستور را یا سؤال کنید یا استیضاح چون راجع به اجرائیات است و غالباً هم تجربه شده است که مذاکره قبل از دستور وقت را تلف میکند از این نقطه نظر بنده استدعا میکنم از آقا که اگر فرمایشی دارید بفرمائید که از دولت و بالاخره این مذاکرات جز اینکه در مجلس را ضایع کند فایده دیگری ندارد و هیچ نفعی نری خواهد بود.

فیروز آبادی - خودتان هم اجازه بجهت

خواسته بودید.

رئیس - آقایان موافقین با ورود در دستور قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) اکثریت است.

[۲ - تصویب مرخصی آقای الفت]

رئیس - يك فقره خبر مرخصی از کمیسیون رسیده است... آقا سید یعقوب - بنده در دستور عرض داشتم.

رئیس - بعد وارد میشویم. خبر مرخصی قرائت می شود:

خبر مرخصی آقای الفت

نماینده محترم آقای الفت برای رسیدگی بامور محلی خود از پنجم اسفند بیست و پنجروز تقاضای مرخصی نمودند. کمیسیون بانظر به ایشان موافق اینك خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای ملك

ملك مدني - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده در این مرخصی ها کلیه مخالف نمیدانم علت چیست که موفق به مقصود خودم نمیشوم در صورتیکه فرد فرد آقایان وقتی که مذاکره میشود با عقیده تمام اظهار همراهی میکنند بنده که مخالفت با این مرخصیها میکنم برای این است که این وجوه زمان غیبت آقایان به مصرف نرساند البته بعرضتان رسیده است که مثلاً در صفحات جنوب هزار هشتصد نفر امسال از سرما فوت کرده اند در طهران چقدر مردم گرسنه اند و بریشانند باین نظریات بنده عقیده ام این است که این وجوه لا اقل به فقراى طهران برسد که مثل برادران جنوبیشان تلف نشوند از سرما و به این جهت مخالفت میکنم هر چند میدانم که موافقت با عقیده بنده نمیشود اما بنده عرض خودم را میکنم

رئیس - آقای ملك مدني

ملك مدني - فرمایشات آقای فیروز آبادی در جای خودش خیلی مورد تقدیر است و همه ماها هم با عقیده ایشان همراهی داریم و در موقع خودش هم امیدوارم عقاید ایشان اجرا شود ولی آقای الفت برای يك مطالبی که جنبه عمومی دارد مرخصی خواسته اند و آقای فیروز آبادی هم تصدیق میفرمایند که آقای الفت یکی از نمایندگانی است که همیشه ایفای وظیفه میکنند و خواهش میکنم آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای الفت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - افتراع شعب]

رئیس - بطوری که خاطر آقایان آگاه است مدت قانونی شعب بیابان رسیده است و میبایستی که جدیداً شعب را افتراع کنیم عده حاضره صد و شانزده نفر هر شعبه نوزده نفر به شعبه اول و دوم هم که يك نفر بیفزائیم موافق مطلوب خواهد شد (آقای مؤید احمدی (منشی) افتراع نموده شعب سته بقرار ذیل تعیین شدند)

شعبه اول - آقایان : بزرگ نیا - باسائی - محمد حسنخان مسعودی - ضیاء - مرآت اسفندیاری - دیوان بیگی - جشیددی - میرزا حسنخان وثوق - دربانسی - آقا سید مرتضی وثوق - آقا امین پور محسن - شیخ محمد جواد - شیخ الملک - فرشی - ایزدی - دبستانی - فهیمی - آقامیرزا محمودخان ناصری - عباس میرزا فرمانفرمایان - شعبه دوم - آقایان : امیر حسین خان - همراز - حیدری - ذوالقدر - مقدم - مؤید احمدی - ظفری - کیا نور - امیر تیمور کلالی - طالبخان - شریفی - کاشانی - کازرونی - میرزا عبدالحسین خان دیبا - دکتر امیر اعلم - حاج علی اکبر امین - میرزا یانس

دشتی - دهستانی

شعبه سوم - آقایان : فرخی - محمد تقی خان اسعد
جلایی - محمد علمیرزا دولتشاهی - روحی - طلوع -
طباطبائی دبا - آقا میرزا هاشم آشتیانی - لاریجانی -
حکمت - رحیم زاده - عراقی - طباطبائی وکیلی -
امیر ابراهیمی - مجد ضیائی - زرار - احتشام زاده -
وهاب زاده - حاج میرزا حبیب الله امین

شعبه چهارم - آقایان : الفت - بنکدار -
مخبر فرهمند - نوینت - ارباب کیخسرو - سلیمانخان اسدی
حاجی سید محمود - مفتی - دکتر عظیمی - خواجوی -
دادگر - دکتر لقمان - آیه الله زاده شیرازی - دکتر سنک
صادقی - ملک مدنی - مولوی - عدل - فتوحی .

شعبه پنجم - آقایان : حد الله خان بیات ماکوئی -
فولادوند - آقا زاده سبزواری - اقبال - فیروز آبادی
هزار جریبی - حاج آقا رضارفعی - آقا سید حسین آقایان -
امیر دولتشاهی - پالیزی - مرتضی قلیخان بیات -
قراگوزلو - افخمی - دکتر طاهری - موقر -
شریعتزاده - مهدوی - افسر - ملک آرائی

شعبه ششم - آقایان : عامری - نجومی - حبیبی -
رهبری - محمدولیمیرزا - کفائی - تیمور ناش - ساکنیان
قاضی نوری - مصباح فاطمی - آقا شیخ علی مدرس -
آقا سید کاظم یزدی - شهداد - مصدق جهانشاهی - طهرانی
آقا سید یعقوب - اعتبار - غلامحسین میرزا مسعود - محمدآخوند .

شعبه ۱ - آقای اسکندری .
شعبه ۲ - آقای دکتر ملک زاده .

رئیس - از آقایان منتخبین اعضاء شعب منما میکنم
که در ختم جلسه کمیسیونهای مبتکرات و عرایض را
انتخاب کنند و مخصوصاً در انتخاب کمیسیون عرایض
سرعت فرمایند که کارهای جاری وقفه پیدا نکند
آقای آقا سید یعقوب در دستور فرمایشی دارید ؟

[۴- تقدیم ورقه سئوالیه آقای آقا سید یعقوب راجع به
شکایت صیادان بندر پهلوی]

آقا سید یعقوب - مدتی است که از بندر پهلوی

تاسکرافات زیادی از صیادان آن جا می آید و از
بمقام ریاست هم رسیده است چون قبل از دستور
هم نمیشود صحبت کرد ناچار شدم و این موضوع
نحت یک سئوالی در آوردم بمقام ریاست میدهم که
بفرمایند که آقای وزیر مالیه حاضر شوند و بدینجهت
به اینها چه اقتضا میکند . همین را خواستم عرض کنم
[۵- بقیه شورئانی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۱۰]

رئیس - شورئانی تأمین مدعی به ماده دهم مطرح است
ماده دهم - در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران
دارد وقتی قرار تأمین بموقع اجرا گذارده میشود
بمدعی علیه ابلاغ شده باشد مگر در موردی که مدعی
یا محکوم علیه غایب بوده و بنا بر امارات قویه ابلاغ
تفنییع و تفریط مدعی به بشود در این صورت قرار
از اجرا ابلاغ شده و مدعی علیه مطابق ماده ۹
اعتراض دارد .

رئیس - آقای روحی
روحی - عرضی ندارم .
رئیس - مخالفی نیست (نمایندگان - خیر) موافق
با ماده دهم قیام فرمایند .
(اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده یازدهم قرائت میشود
ماده یازدهم - در مواردی که مطابق مواد فوق
علیه یا محکوم علیه به قرار اعتراض مینماید باید در ظرف
ده روز بمحکمه رجوع کنند تا با اعتراض رسیدگی شود
هرگاه مدعی علیه یا محکوم علیه در ظرف مدت مذکور
محکمه رجوع ننمود یا محکمه پس از رسیدگی اعتراض
بدمورد دید قرار تأمین مطابق مقررات این قانون
اجرا گذارده خواهد شد .

رئیس - در ماده یازدهم مخالفی نیست . موافق
ماده یازدهم قیام فرمایند .

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دوازده مطرح است :
ماده دوازدهم - قرار قبول یارد تأمین قابل استیناف
و نیز نیست .
رئیس - آقای طاهری .

دکتر طاهری - در شور اول این ماده این طور
بود که از قرار رد تأمین مدعی یا محکوم له میتوانستند تا
ده روز فقط استیناف بدهند ولی حالا در شور دوم این
ماده بیک طوری تنظیم شده است که قرار قبول یارد
تأمین هیچکدام قابل استیناف و تمیز نیست . بعقیده بنده
گر چنانچه این ماده همینطور تصویب شود ممکن است
یک حقی از مدعی و محکوم له فوت شود برای اینکه اگر
محکوم لهی تقاضای قرار تأمین کرد و محکمه رد کرد
اینکه مدعی بهی را قرار تقاضای تأمین کردند و از
واردی هم هست که پذیرفته شدن تقاضا حتمی است
ولی معذک محکمه رد کرد اگر چنانچه حق مدعی در
این جا تفریط شود جبران این چطور میشود . ولو اینکه
شما هم در محکمه انتظامی محکوم شود معذک جبران
حق مدعی را نمیکند فقط دلیلی که ممکن است برای
این کار آورد تسریع در محاکمه است اگر چنانچه این
دلیل موجب این باشد که قرار ها قابل استیناف و تمیز
شد در تمام محاکمات باید همین جور باشد
تمام قرار ها قابل استیناف نباشد (یاسائی همینطور
میشود) قرار هم با احکام چه فرق دارد پس خوب
ت احکام را هم همین کار را درش بکنید اگر بیک حکمی
که محکمه بدایت داد و در ذیل آن نوشت که این حکم
می است در صورتیکه ممکن است قطعی نباشد وقتی که
ف استیناف داد ممکن است در محکمه بالاتر اگر
چنانچه در محکمه ابتدائی قاضی بیک خطائی کرده است
بر آن شود ولی وقتیکه ما محدود کنیم آراء راهبان
کبه در این صورت ایجاد محاکم مافوق دلیلی ندارد

در صورتیکه ایجاد محاکم مافوق برای این است که تضييع
حقی نشود پس بعقیده بنده بایستی که قرار رد قابل
استیناف باشد منتهی این است که ممکن است بگوئیم
چون این قرار در اصل محاکمه تأثیری ندارد و مثل
قرار قبول و رد عرضحال نیست و اگر رد شود
مانعی ندارد از آن طرف هم ممکن است بگوئیم که چون
این قرار اگر برود استیناف و برگردد منافات با تعقیب
محاکمه ندارد باید قابل استیناف باشد چون محاکمه تعقیب
میشود و محاکمه جریان دارد و تعطیل نمیشود برای
اینکه مربوط باصل موضوع نیست و هیچ تلازمی با اصل
موضوع ندارد ممکن است قرار برود در استیناف و محاکمه
هم جریان خودش را داشته باشد و اسباب تعویق کار
هم نشود .

یاسائی - (مخبر کمیسیون قوانین عدلیه) - در
قانونی که فعلا مجرا است و میخواهیم این قانون را
جای آن بگذاریم در آنجا معین شده است که اگر محکمه قرار رد
تقاضای مستدعی تأمین را داد شکایت در استیناف میشود کرد
ولی مادراین قانون بک تفاوتهایی قائل شده ایم که دیگر موجب ندارد
که ما این حق را برای مستدعی تأمین پیش بینی بکنیم
زیرا در قانون فعلی صدور قرار بنظر قاضی است ولی در
این جا سه مورد که اکثر موارد مشمول آن سه مورد است
الزامی است و قاضی نمیتواند رد کند که ما بیائیم فرض
کنیم که اگر رد کرد استیناف بدهد خواهید فرمود که
ممکن است با وجود این که قانون الزامی کرده است و
مدعی هم سندرسمی دارد باز قرار رد تقاضایش صادر شود
این مثل این است که قاضی حکم صادر کند بدون دلیل
شما در قانون نوشته اید که حکم محکمه باید مدلل باشد
اگر بیک قاضی حکم صادر کرد بدون دلیل خوب خلاف
قانون کرده است (فرض که دارد) خوب شما نوشته اید
عرضحال را قاضی باید بمدعی علیه ابلاغ کند آنوقت رسیدگی
بکند و حکم کند اگر بیک قاضی اصلاً بدون ابلاغ عرض
خال به محکوم علیه حکم بدهد . . .

دکتر طاهری - آنوقت استیناف میدهند.

مخبر - میدانم ولی از نقطه نظر استیناف که نمیشود جلوگیری کرد. محکمه انتظامی برای این جور چیزها است اگر شما برای مواد قانونی بخواهید يك طرفی پیش بکشید اضافه تر بالاخره برای هر ماده باید يك فکری کرد اینطور که نمیشود اگر قاضی آمد بالاخره یکی یکی از مواد قانون را تخلف کرد شما که میگوئید قاضی ملزم است در این موارد قرار قبول صادر کند اگر تخلف کرد باید از مقام قضاوت اصلاً منفصلش کرد...

آقا سید یعقوب - چه فایده برای مدعی دارد؟

دکتر طاهری - شما قاضی را محاکمه میکنید فایده برای مدعی ندارد.

مخبر - عرض کنم این مورد مثل آن موارد نیست من فرض اعلایش را عرض کردم شما وقتی که فرض کردید در موارد عدیده صدور قرار تأمین الزامی است باز يك فرض تازه هم کردید که اگر حکمی از بدایت صادر شد محکوم له میتواند تقاضای تأمین محکوم به را بنماید با این فرض دیگر علتی ندارد که ما وقت استیناف را اشغال کنیم اگر من حکمی بر لاهم صادر شدو قبلاً هم تقاضا کرده بودم و محکمه بدایت هم رد کرده بود در اینجا پیش بینی شده است که با ادله جدید باز میتوانم از همین محکمه تقاضا کنم فرض این است که رد کرده وقتی که از محکمه حکم بر له من صادر شد تقاضای تأمین میکنم در این صورت از من تضییع حقی نمیشود فقط يك فرقی دارد و آنهم در صورتی است که سند رسمی نیست و سند عادی نیست مدعی به با قرینه سند عادی در معرض تضییع و تفریط نیست آن جا بنظر قاضی است که ممکن است رد کند در آن جا انقدرها دعوی پرو پای درستی ندارد که ما بیائیم این جا اینقدر دلسوزی بکنیم برای این مدعی بهتر این است که این جور مدعی که اینقدرها مدارکش قانونی نیست وقت

محاکم را بگیرد و این که فرمودید سایر قرارها هم پس استیناف نداشته باشد بنده عقیده ام این است که شاید اعضای کمیسیون عدلیه هم عقیده شان این است که وزارتخانه هم این عقیده را تقویت میکنند که باید کرد که کار در محاکم کم بشود الان وقت نرسیده است به یکسال و بالاخره وقت استیناف هم به چندین ماه اگر شما بخواهید اجازه بدهید که قرار برود در محاکم بالاتر جلو محاکمات عمده را بگیرد و وقت مردم را ضایع میکند و خسارتنش برای جاسا بیشتر است پس بهتر این است که موافقت کنید اگر چنانچه تقاضای تأمین آن رد شده در موقع صدور حکم برود و تقاضای اجرائش را بکنند یعنی تقاضای تأمین محکوم به را بکنند که در حکم اجرا است

رئیس - آقای آقا یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - این موضوعی را که آقای دکتر طاهری اظهار کردند آقای وزیر عدلیه هم خودشان شده اند و اعضاء کمیسیون هم میدانند که بنده يك نفر از اعضاء کمیسیون بودم که طرفدار این عقیده هستم در صورتیکه مدعی به در مقام تضییع باشد یا در مقام تفریط باشد یعنی مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مدعی به باشد و آمد مدعی تقاضای تأمین کرد در این محکمه رد کرد آقا شما میفرمائید که قاضی را در این ما میبریم محکمه و او را محاکمه میکنند مال من گرفته است چاره این چیست که قاضی را ببرد محاکمه کنید؟ فرضاً قاضی را بردید محکمه انتظامی و محکمه هم کردید و محکوم شد بانفصال ابد از خدمت دولت مال من که از بین رفته است چه میشود؟ (طالع صحر است) در این موضوع بنده کاملاً با آقای وزیر صحبت کردم و آقای وزیر عدلیه گفتند که من این را اگذار میکنم برای کمیسیون قبول دارم که کمیسیون

کثرت است و رأی اکثریت قاطع است و موافقت کرد با عقیده بنده ولی بنده بعرض مجلس میرسانم ماده پنجم سه قسم گفتیم که تأمین مدعی به الزامی است که محکمه باید تأمین کند یکی در صورتیکه سند مدعی رسماً رسماً باشد یکی اینکه در صورتیکه مدعی علیه در مقام تضییع بانفراط مدعی به باشد یکی در صورتیکه خسارات را تأمین کند حالا میفرمائید که اگر قاضی این جا رد کرد او را میبرند محکمه و محاکمه میکنند آقای باسائی حفظه الله این جا يك منطق غریبی بیان میکنند که معطل میشود و باید زود تر احقاق حق بشود استیناف که مثل مجلس نیست که اگر بخواهند احقاق حق يك مدعی را بکنند فوراً بگویند نه حرف نزن محکمه استیناف برای چه قرار داده شده است؟ ابتدائی و استیناف و تمیز برای چه قرار داده شده است برای اینکه حکمی که صادر میشود اقرب باشد بسوی عدالت و الا بیائید تمام محاکمات را واحدی کنید مثل آن محکمه بلخ که تشکیل شده بود و بابت هادبخان می آمد و دعوی را قطع میکرد اگر میخواهید محکمه نباشد نایب هادبخان را بیاورید با چوب واشکلک دعوی را تمام میکنند اما ما میخواهیم دعاوی با عدالت تمام شود و اقرب بعدالت باشد و محل اطمینان باشد در این موردی که آمد که بنده میتوانم مدلل بدارم که مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مدعی به است و بعد محکمه آمد و رد کرد تقاضای من را اینجا حق استیناف من بدهید چه عیب دارد میفرمائید دو سیه میروند آنجا معطل میشود دو سیه مال بنده است من مدعی هستم خودم میدانم حق استیناف را شما بمن بدهید اگر دیدم که دو سیه من معطل میشود خودم این کار را نمیتکنم عقیده بنده این است که این حق را به بنده بدهید و این را بنده پیشنهاد کردم که در جزء اول ماده پنجم و اگر بدانم مجلس موافق نظریه بنده است در تمام ماده پنجم بنده این تقاضا را میکنم که در جاهائی که الزامی است اگر محکمه آمد و رد کرد آنجا مدعی حق استیناف

داشته باشد حق استیناف که الزام نمی آورد اگر من دیدم طول میکشد محاکمه ام استیناف نمیدهم این است عقیده من و پیشنهاد میکنم و با آقای طاهری موافق هستم که در اینجا این حق از مدعی گرفته نشود و در صورتی که قاضی آمد و در همچو صورتی که قرار الزامی بود رد کرد آقای باسائی تصدیق کنید که محاکمه کردن قاضی ربطی بمن ندارد. حکایت آن شخصی است که گفت من زنده ام راحت باش تو بمیر من اینجا زنده هستم خوب. بعد از مردن من صد نفر را هم که برای من بکشند چه آری برای بنده دارد؟!

مخبر - فرمایشات آقا از نقطه نظر عمل درست نیست بنده عرض میکنم همان قاضی استیناف که مورد اطمینان شما است اگر برخلاف حق و عدالت و بدون دلیل يك کاری کرد شما چه میکنید؟! شما خیال می کنید بمحض اینکه دوسیه رفت پهلوی کسی دیگر خوب میشود؟ این طور نیست؟ از نقطه نظر اصول بالاخره فرمایش شما درست است ولی از نظر عمل جز تضییع وقت محاکمه نمید دیگری ندارد. وقت محاکم و مردم را هم ملاحظه کنید که زیاد تلف میشود. شما برای قضاة الزامی می کنید که این کار را بکنند مثل سایر مقررات قانونی که مکلفند بکنند حالا شما اگر میخواهید حقوق بیشتری برای مستدعی تأمین قائل شوید این بر خلاف عقیده عده دیگری است که اصلاً مخالف تأمین مدعی به هستند و منکر این قانونند کازرونی - بر خلاف اصل است

مخبر - و بقول آقای کازرونی بر خلاف اصل است بالاخره این بنظر بنده افراط و تفریط است. همینکه در مرحله ابتدائی گفته ایم که قرار صادر کنند کافی است دیگر لازم نیست که این حق را در استیناف هم قائل شویم شما هم موافقت بکنید که این هم مثل سایر موارد باشد و بگذارید در مرحله بدوی تمام شود و جریان محاکمات سریع تر شود

رئیس - آقای احتشام زاده مخالفید؟

احتشام زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

احتشام زاده - بنده برای اینکه وقت مجلس رازباد

تضییع نکرده باشیم از مسائلی که قبلاً تکرار شده است راجع باین ماده با اینکه بنده مخالف هستم خود داری میکنم فقط دلائلی که دارم برای لزوم قرار تأمین که بایستی حق استیناف برایش قائل شد عرض میکنم بنده کاملاً معتقدم که باید از نظر تسریع محاکمات در کم کردن کار محاکم سعی کنیم که تمام قرار هائی که هست در ضمن محاکمه حق استیناف و تمیزش را حذف کنیم ولی يك مواردی است که حقی تضییع میشود از بابت سلب حق استیناف و تمیز در این قبیل موارد نسبت باین قبیل قرار ها ما اگر بخواهیم حق استیناف و تمیز را اسقاط کنیم و بگوئیم که این قرار ها غیر قابل استیناف و تمیز است حق تضییع میشود و بنده موافق نیستم . زیرا مدعی خودش را ذی حق در تقاضای تأمین میداند و اگر ما حق استیناف و تمیز برایش قائل نشویم مدعی بهش ممکن است در معرض تضییع و تفریط واقع شود و بالاخره پس از آنکه جریان محاکمه خاتمه پیدا کرد و مدعی در تمام مراحل محکوم له واقع شد آنوقت که با اجرا میرسد ممکن است مدعی به ازین رفته باشد . بیچاره پس از اینکه مدتی زحمت کشیده و وقت خودش را تلف کرده است تازه چیزی بدستش نیامده است . این است که بنده در این مورد لازم میدانم آقایان موافقت بفرمایند که حق استیناف و تمیز برای مدعی باقی باشد . راست است که همه ما با آن اصلی که در نظر داریم موافقیم که قرار ها قابل استیناف و تمیز نباشد ولی بنده معتقدم که در این مورد چون حقی تضییع میشود باید قابل استیناف باشد . فرمودند اشکالی ندارد چون مدعی می تواند اگر محکمه رد کرد تجدید تقاضا کند از این جهت استیناف دیگر موردی ندارد بنده عرض میکنم استیناف مورد دارد برای اینکه شما در ماده سوم ذکر

می کنید که تجدید تقاضا را در صورتی می تواند بکند يك دلائل جدیدی داشته باشد من مطابق سند رسمی دارم مدعی هستم و مدعی به خودم را می خواهم تأمین کنم و هیچ دلیل تازه هم نمی توانم پیدا کنم در این جا چه میکنید؟ آقای باسائی فرمودند اگر میخواهید جلوگیری از تضییع حق بکنید در موردی که محکمه استیناف بر خالز قانون یک کاری میکند و یک حقی را تضییع میکند چه خواهد کرد؟ بنده عرض میکنم بر فرض که در آن قبیل موارد يك حق تضییع شود این دلیل بر این نیست که در جا های دیگری هم میشود از تضییع حق جلوگیری کرد . جلوگیری نکنیم و حق استیناف ندهیم به مستدعی تأمین این است که بنده در این باره پیشنهادی هم تقدیم کرده ام .

رئیس - آقای فیروز آبادی موافقید؟

فیروز آبادی - بلی موافقم .

رئیس - آقای روحی موافقید؟

روحی - خیر مخالفم .

رئیس - بفرمائید

مخبر - عرض میشود اگر ما بطور کلی این فنی را در اینجا حل کنیم از نقطه نظر طرز فکرمان در آن خیلی برای ما مفید و خوبست . اساساً يك فکری وجود دارد : که ما برای تسهیل و تسریع محاکمات بیائیم و چه قرار در قانون محاکمات پیش بینی شده موضوعاً ازین بپریم باستثناء قرار هائی که کار را از محکمه خارج میکند مثل قرار رد عرضحال و نظیر آن . اگر يك قراری بشود کار را از محکمه خارج کرد در این صورت مدعی میتواند باستیناف شکایت کند . ولی آن قرار هائی که کار را از محکمه خارج نمی کند نباید قابل استیناف و تمیز باشد این نظر کلی و اصلی است . یکی از قرار هائی که کار را خارج نمی کند قرار تأمین مدعی به است . قرار تأمین مدعی به قرار است که کمک بدعوی میکند ولی اگر مدعی رد شود هیچ اثری از نقطه نظر حقانیت طرفین ندارد زیرا اصل قرار تأمین بآدمی که در محاکمه با حقانیت این طرف با آن طرف ندارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که عقیده دارم محاکمات زود تر طی شود عقیده ام این است که این

فقط از نقطه نظر تسریع محاکمه است و از نظر اینکه مدعی علیه زود تر حاضر میشود که کار خودش را تمام کند مفید است فقط تضییعی است که بر او میشود که رود تر عملش را با مدعی ختم کند و منفعت تأمینش از این نیست فقط کمکى به تسریع محاکمات میشود ولی ما نباید قانوناً يك طرفی پیش بکشیم که بعد بدیل به بطوء شود . فرمایشاتی که آقای احتشام زاده بفرمایند بالاخره ملازمه دارد باینکه فلسفه تأمین از این برود چرا؟ برای اینکه ما می خواهیم کار ها هر چه زودتر در محاکم حل شود و الاً اساساً معنی ندارد قرار تأمین برای چه صادر شود؟ این فرض که ما می کنیم که ممکن است مدعی به در معرض تضییع یا تفریط باشد آنوقت بیائیم حق بدعیم بآن کسی که قرار تأمین برود شده؟! فرض کنید فرجه بین رد و تقاضا و رسیدگی استینافی و صدور قرار استینافی و اجرای آن هر چه شد در این مدت اگر مدعی علیه که در صدد تضییع تفریط حق مدعی است هر چه بخواهد که میکند . زیرا صله پیدا میکند و در همین فرجه که شما پیش بینی کنید او تضییع و تفریط خودش را میکند . قرارى که بمحکمه رفته محکمه رد کرده بعد فرضاً استیناف در دوسه زفته آنجا این مدت فرجه میدهد به مدعی به . و بالاخره يك مرتبه دیگر هم عرض کردم ما این را برای طهران نمی نویسیم برای تمام مملکت نویسیم حوزه های استینافی شامل تمام حوزه های ابتدائی چون خودش است و بالاخره احاله که میدهیم از دلائلی که محاکم استیناف این طول میکشد و هر طور شما فکر کنید این به نفع اساسی محاکمه و تسریع برایش کار نیست در هر حال دیگر بسته بنظر این است

رئیس - آقای کیا موافقید؟

کیا نوری - بلی موافقم .

رئیس - بفرمائید

مخبر - ایشان موافق بودند

رئیس - پس آقای روحی بفرمائید

روحی - عرض میکنم آقای مخبر محترم توجه بفرمائید چون يك موادی هست که اشکالی ندارد مثل مواد هشت و نه که رأی دادند ولی مواد دهم هست که اشکالات دارد ولو اینکه مکرر هم جواب بگویند باید درش حرف زده شود بگذارید يك قانونی بی غل و غش بگذرد . من عقیده دارم هر قدر در اطراف این ماده بیشتر بحث شود نتیجه اش بیشتر است . بنده از بیانات حضرتعالی فقط يك نتیجه گرفتم و آن تسریع است که فرمودید کارها باید بسرعت تمام شود بنده عرض میکنم این تسریع را چرا منحصراً در مورد مدعی علیه قائل میشوید در سایر موارد

هم قائل شوید. چرا محاکمات را يك درجه نمیکنید. يكدرجه کنید که بدایت حکمی بدهد و قاطع باشد. این سرعتش زیاد تر است و کارها هم زود تر میگذرد. ولی البته جهتی داشته و روی يك فکری بوده است که ملل عالم آمده اند و زحمت کشیده اند و در اصول محاکمات خودشان سه درجه محاکمه قائل شده اند. روی این مسئله دقتها کرده اند و عمرها گذرانده اند کتابها نوشته اند و تجربه پیدا کرده اند ما آمده ایم و حالا می خواهیم باین تجربه عمل کنیم. همانطور که عرض کردم شما برای محاکمات سه درجه قائل شده اید ولی جریان تأمین مدعی به را که مرتبط با دعوا است می خواهید یکدرجه قائل شوید؟ این ظلم است. بر خلاف عدالت است. بنده يك کسی هستم که شاید یکذره اعتبار در بازار این شهر دارم رفته ام یکمقدار جواهر یعنی امانت آوردم در خانه بعد فردا در مقابل یک نفر با جهت بایبجهت محکوم شدم یکمريضه يك کسی داد نا قانوناً مراحل تمیزی طی شود و تبرئه پیدا کنم مال مرا توقیف میکنند و این اسباب و اشیاء مردم هم در خانه من توقیف میشود. قرار هم که قابل استیناف و تمیز نیست مال مردم که قاطی مال من شده توقیف میشود و از بین میرود (فروز آبادی - رد این است) اجازه بفرمائید ولی اگر يك مرحله استینافی داشته باشد ممکن است آن شخص برود آنجا و ثابت کند که مال من قاطی مال فلانکس بوده و باید بمن رد کنند و البته رد میکند از این قبیل نظائر خیلی زیاد است حالا من نمیگویم همین مورد بخصوص اتفاق می افتد موارد زیاد دارد. يك مرحله دیگر ممکن است خود طرف يك اسنادی داشته باشد که این مال غیر باشد ولی در ظرف این دو روزه یا ده روزه دسترسی بآن نداشته باشد بعد می رود در محکمه استیناف آن اسناد را نشان میدهد و بجانب او حق میدهند اگر حق تمیز برایش زیاد است لااقل استیناف لازم است و بنده نبودن حق استیناف را غلط میدانم آقای وزیر موافقت بفرمایند که يك مرحله استینافی قائل شوند و

همه تشکر میکنیم و رأی میدهیم خدا شاهد است که نظر خیر و اصلاح عمل است که بنده عرض میکنم و الا ملاحظه فرمودید در مواد ۸ و ۹ و ده و یازده هیچکس مخالف نبود اشکالاتی نبود و همه رأی دادند ولی این ماده اشکال دارد چون حق مردم را تضییع می کند آقای یاسائی میفرمایند هم که دفاع میکردند جز مسئله تسریع که میفرمودند بنده اطلاع دیگری پیدا نکردم استدعا دارم اگر باین دارند بفرمایند و بنده را متقاعد بکنند و الا لااقل مرحله استینافی را چنانچه پیشنهاد هم داده ام برای این مورد بخصوص قائل شوید.

مخبر - عرض میشود آقای روحی فرمودند از عرایض بنده فقط چیزی که فهمیدند این است که می بایستی نظریه محاکمات داشت. بلی صحیح است بعد از مدتها تجربه و امتحان سرعت در عمل باید نصب العین همه ما باشد (نمایندگاران صحیح است) بالاخره باید در محاکمات تسریع کرد. بعبارة دیگر محاکمه يك نوع مبارزه طرفین است که اسلحه شان اسنادشان است. يك مبارزه معنوی میکند که مردم زود تر ما موفق شویم که باین مبارزه خاتمه بدهیم طرفین است. شما خودتان اگر محاکمه داشته اید باید بهتر ملتفت شده باشید. محاکمه برای متداعین اختلاف هواس میآورد. فساد اخلاق تولید می کند و آنها را تملقات بیجا میکشاند پس شما هر چه به تسریع بکنید به نفع آنها است. منتهی اصول هم البته باید رعایت شود ولی تا کجا؟ شما میفرمائید قرار تأمین استیناف لازم باشد؟ این مسئله موضوعی ندارد زیرا حکم در این قضیه که نیست تا تأثیر داشته باشد در حق متداعین معذک بفرمائید پیشنهادتان قرائت شود اگر آقای عدلیه موافق باشند بنده اصراری ندارم هر طور که تصویب کند همان است (صحیح است) جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود: پیشنهاد آقای روحی ماده دوازدهم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: ماده ۱۲ - قرار قبول یارد تأمین فقط قابل استیناف است.

رئیس - آقای روحی نظری هم دارید؟

روحی - مطلب همان است که عرض کردم دیگر توضیحی ندارم. فقط میل داشتم آقای وزیر عدلیه اظهار لطف کنند و باین مرحله استینافی موافقت بفرمایند. چون آقایان در این ماده نظر دارند و بدایت را کافی نمی دانند برای این کار و صلاح است که استیناف هم باشد اگر قبول بفرمایند خوب است.

وزیر عدلیه - بنده میخوام در این قضیه کمتر اظهار عقیده کنم و واگذار میکنم بنظر آقایان علتش هم این است که اولاً این ماده از مواد اساسی این لایحه نیست و برای او هم میشود دلائل له و علیه هر دو آورد. چنانچه بعضی از آقایان فرمودند و در کمیسیون هم که مطالعه کردند بالاخره این شکل موافقت شد و با قابل استیناف بودن قرار موافقت نکردند بدلائل زیادی همینقدر میخوام عرض کنم که در اساس قضیه تفاوت حاصل نخواهد شد اولاً میدانید که مسئله تأمین راجع بماهیت نیست بطوری که هیچ ضرورت ندارد بنده این جا اظهار کنم بر فرض اگر قرار تأمین در غیر مورد رد شود نمیشود که حق آنطرف را از بین برده این یک خطرانی نیست که توجه او شده فقط آن فوایدی را که میشود از تأمین گرفت آن فواید از بین میرود. ولی در اکثر موارد طوری نیست که بگوئیم حق آن آدم از بین برفته است بطوری که چیزی نمی تواند وصول کند. همه اشخاص هم بعد از محکومیت اظهار افلاس نخواهند کرد پس از این حیث نمی توانیم بگوئیم که اگر قرار رد شد یک ضرر اساسی بآن طرف میخورد به علاوه از

نقطه نظر عمل وقتی نگاه کنیم اولاً پیشنهاد آقای روحی دو جنبه دارد هم از قبول خواستند استیناف باشد هم از رد و با منطقی که خودشان اظهار کردند بنده تعجب نمیکنم که قرار قبول تأمین دیگر چرا قابل استیناف باشد. شما که مقصودتان این است که تسریع بشود و حق احتمالی مدعی تأمین شود بچه دلیل می آید و وقتی که این تأمین را قبول کردید باز می خواهید قابل استیناف باشد (روحی طرفین بتوانند استیناف بخواهند) عرض کردم اگر نخواهیم يك منطبق قابل قبول و قابل استنادی اینجا ذکر کنیم راجع باین است که در صورت رد بشود استیناف داد (صحیح است) ولی در مورد قبول وقتی طوری شد که مال کسی را تأمین کردند و بالاخره رفت در محکمه دیگری برای رسیدگی باصل ماهیت دعوی و معلوم شد که این شخص ذی حق است آنوقت مال را میگیرند و میدهند با صاحب مال. در حال این قبول را حالا میگذاریم کنار و میرسیم بقسمت رد که میفرمایند قابل استیناف باشد البته آقایان همه می دانند که استیناف همیشه در مقرر تمام محاکم ابتدائی نمی تواند باشد بعبارة آخری هر جائی که يك محکمه ابتدائی است در همان محل يك محکمه استیناف بالا سرش نیست حالا وقتی که اینطور است و قرار رد تأمینی که داده شده است در رشت اگر بنا باشد بیاید به استیناف طهران تصدیق می فرمائید که چقدر این قضیه جریان دوسیه و اصل ماهیت دعوی را بتعویق میاندازد؟ دیگر فرمائید دوسه روز بیشتر طول ندارد. خواستن این دوسیه و آوردن آن بمركز (سید یعقوب - این حق خود مدعی است دیگر) عرض کردم البته علت اینکه بنده ساکت نشسته بودم علت اینکه باسستی صحبت میکنم برای این است که دلائل بر له و علیه میشود مثلاً در مقابل این حرف من حالا آقای آقا سید یعقوب اشاره میفرمایند که این حق مدعی است و طول بکشد اهمیتی ندارد و این وقفه که در جریان دعوی حاصل میشود من که مدعی هستم خودم این کار را کردم و اگر هم به بینم که خیلی برای من ضرر دارد تقاضا

می‌کنم این استدلال را البته مثل آقا در مقابل استدلال عدم قبول تقاضای استیناف قرار رد تا مین میشود کرد (کاررونی - عکسش را هم بفرمائید) بالاتر از این استدلال را هم میشود کرد (ولی از آنطرف هم میشود استدلالات زیادی کرد). مثلاً گفته میشود اگر قاضی نحو است بکند بنده خیلی تعجب میکنم که ممکن باشد در مواردی که در قانون صراحت دارد و نوشته است صراحتاً که اگر سند مثلاً رسمی بود در این موارد قاضی باید الزاماً قبول کند اگر نکرد خوب محکمه انتظامی برای همین جور چیزها است دیگر و تعقیب میکند قاضی را بعلاوه این را هم نباید فراموش کرد که اگر ما بخواهیم از برای تمام مواد و اصول محاکمات در مورد تخلفات استیناف را قبول کنیم که برود و محکمه دیگری رسیدگی کند بالاخره این دعوی آخر نخواهد داشت و عاقبت تمام نمیشود بالاخره آقا ما مجبور شدیم و الان لایحه در دست ما است که موارد استیناف از قرارها را داریم خیلی تنگ میکنیم آنوقت اگر ما بیائیم و این کار را بکنیم و یک چیز تازه بهش اضافه کنیم نقض غرض میشود و عوض کم شدن زیاد میشود از طرف دیگر این شخص که خودتان میگوئید آمده است و تا مین خواسته است اگر بنا باشد ما استیناف را برای او قائل شویم اگر همان دلائلی را که در محکمه ابتدائی داشته است و قرارش را محکمه رد کرده است همان هارا می خواهد در استیناف بگوید بسا ممکن است که در آنجا هم رد بشود برای اینکه همه روی یک اصول کار میکنند اما اگر آن دلائل نیست و دلائل جدیدی دارد که در آن مورد هم ما راه را برای او باز گذاشته ایم... (روحی کجا) در همان جائی که ما گفتیم تجدید می تواند بکند در مورد تهیه دلائل جدید (در ماده سیم) در دو جلسه قبل اینجا صحبت شد و بنده هم در مقابل مخالفت یکی از آقایان که می فرمودند مورد تجدید را تجدید کنید و یک مرتبه با دو مرتبه بکنید شدیداً این جا

دفاع کردم و گفتم نیاستی محدودش کرد چون این ممکن است این کسیکه می آید با دلائل جدید در اغلب موارد شاید تقاضای تا مین قبول شود بالاخره بنده تصور می‌کنم که ضرری ندارد چون فرض همان فرض است همان دلائل است که بی فایده است یا دلائل جدیدی است که راه برای او باز است و میتواند تقاضای تجدید کند از همان محکمه و الا اسباب تضییع وقت میشود و بالاخره بنده تصور می‌کنم حالا چون اکثریت اخذ کمیسیون هم بعد از یک مطالعاتی باین ترتیب آمده اند اظهار نظر کرده اند آقایان هم اظهار موافقت بفرمایند و بهمین شکلی که ماده تنظیم شده است بهمین ترتیب بماند اگر فرض کنیم محاکم بعد آمدند و در آن موارد که الزامی بود در آن موارد ضروری تا مین را رد کرده بالاخره وزارت عدلیه و مجلس شورای ملی بجای خود هست و بایستی یک ماده بیاورند و آن چیزی که در عمل معلوم شده است که بایستی اصلاح شود اصلاح نمایند و بالاخره این عقیده را هم نباید داشته باشند (بنده که ندارم) که هر قانونی که امروز نوشته شد از قانون نباید هیچ دست باو بخورد نه واقعاً اینطور نیست اگر در حین عمل دبدبیم (چون میدانید مسئله تا مین مدعی به باین شکل خیلی تازگی دارد) احتیاج باین داریم که بعضی از مواردش را شدیدتر از این بکنیم و مقدر در این حاصل میکند یکماده میاوریم بمجلس شورای ملی تقدیم میکنیم که قرار در تا مین هم مثلاً قابل استیناف باشد. (صحیح است) روحی - بنده استدعا می‌کنم سایر پیشنهادات فراتر شود شاید بنده یا یکی از آنها موافقت بکنم رئیس - پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۱۲ این تبصره اضافه شود: تبصره - در فقره اول از ماده ۵ اگر محکمه تقاضای تا مین را رد کرد مدعی حق استیناف دارد
آقا سید یعقوب - در جواب فرمایشات آقای...

بنده ناچار هستم که مثلی عرض کنم ماه رمضان است عیبی ندارد (آقای مخبر این قضیه در نظرتان باشد) یک میر غضبی بود یک کسی از دستش فرار کرده بود و رفته بود در خانه نشسته بود میر غضب میگفت بابا برای یک قطره خون گندیده مرا خجالت نده بیایرون سرت را مثل گل میبرم. آقای فرمایند تسریع... اخلاق فاسد میشود... مردم که رفته است محاکمه کرده که حقتش را بگیرد قاضی رد کرده می خواهد حقتش را بگیرد اخلاق فاسد میشود و بهتر است رد کرد... این یکی یکی دیگر اینکه آقای وزیر عدلیه یک فرمایشی فرمودند بنده گمان می‌کنم فرمایش ایشان را هم نتوانم قبول کنم برای خاطر اینکه بنده عرض کردم این حق من است حالا طول می کشد بکشد خودم می خواهم قانون این حق را باین داده آقای یاسائی میفرمایند همه جا مگر طهران است که ابتدائی و استیناف داشته باشد در رشت ابتدائی است و استیناف ندارد باید بیاید طهران خوب بشما چه باید چه میشود مگر؟ قانون این حق را من داده مدعی علیه در سدد تضییع مال است من تقاضای تا مین کردم محکمه رد کرده میخواستیم استیناف بدهم. سند هم سند رسمی است قاضی با اینکه سند رسمی است رای بر علیه من داده شما میگوئید دارش میزنید بزنید این برای من این میشود؟ این را بنده عرض میکنم درست توجه بفرمائید باز یک مثل دیگر یکی گفت کلاغ توی چاه می افتد؟ گفتند خیر کلاغ حیوان زرنگی است در چاه می افتد. گفت خوب اگر افتاد چه میشود و چنددلو بید آب کشید؟ این جا هم همینطور است اگر قاضی رد کرد با این که دلیل من دلیل محکمی بود سند من سند رسمی بود و با آنکه مدلل کردم مدعی علیه در مقام تضییع و تضییع مال است و درخواست تا مین کردم محکمه رد کرد (شما میفرمائید نمی‌کند) اگر کرد من چه می‌خواهم؟ این حق را من بدهید اگر قبول کرد که اگر نکرد من نتوانم استیناف بدهم. حالا شما دات مال من میسوزد که اخلاق من فاسد میشود پس حق استیناف

نداشته باشم؟ نه آقا فاسد نمیشود بگذارید مال من که دارد از بین می‌رود بروم بگیرم و دلسوزی برای من بکنید اخلاق من مال خودم است برای این بنده در ماده پنجم که نوشته است سه قسم است که الزامی است قرار تا مین بر محکمه که قبول کند اگر آمد و تخلف کرد این حق استیناف باو داده شود آقای وزیر عدلیه هم تعقیب قوانین خودش را بکنند و آن قاضی را بمحکمه انتظامی بکشاند و مجازاتی که سزاوار آن قاضی است و برای او ثابت است خواهند داد مطابق قانون حالا این جا در مقام تضییع و تضییع آقای یاسائی میفرمایند اگر مهلت داده شود که برود استیناف بدهد در آن مهلت تضییع میکند یا در مقام قسم ثالث که خود مدعی بیاید و تا مین کند خسارت از تا مین را بنده می آیم در جزو اول که سند من رسمی است و ورقه ثبت اسناد و سند مالکیت است تقاضا کردم و مطابق آن سند باید من تا مین بدهند آمدند ورد کردند در این و میدهم صورت من چه باید بکنم؟ در این مورد هم باید این حق را من بدهید تا جلوی تضییع و تضییع او را بگیرند این است عرایض بنده و منطق و دلیل بیشتری هم ندارم حالا دیگر بسته است بنظر مجلس

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اگر چه در مطلب خیلی بحث شده است ولیکن در حقیقت مطلب از دو نقطه نظر قابل بحث است هم برای ردش میشود دلائلی اقامه کرد هم برای قبولش البته مسائلی که جنبه قضائی دارد قابل استدلال و بحث است هم بر له و هم بر علیه آنها بنظر بنده در این مورد استدلالی که بر له این ماده است یعنی استدلالی که بر طبق آن باید قبول نکرد که قرار رد تا مین قابل استیناف باشد قوی تر میباشد. گفته میشود که مدعی حقتش در معرض تضییع و تضییع است و همچنین گفته میشود که در مورد سند رسمی محکمه نباید قرار رد صادر کند بنده اساساً عرض می‌کنم بر

ضیق تجربیاتی که دارم معتقد هستم که قوانین باید صریح باشد ولی تصریح در قوانین و تحدید حدود بآن درجه را که لایتنیر باشد قانون بنده معتقد نیستم مثلاً آقایان ترس دارند که محکمه ممکن است در مقابل سند رسمی تقاضای تأمین را رد کند بنده این را یک چیز بعیدی نمیدانم زیرا همانطور که یک مدعی سند رسمی دارد ممکن است مدعی علیه هم در مقابل آن سند رسمی داشته باشد راجع برائت خودش بنا بر این نمی توان این را اصل قرار داد که محکمه ملزم است در مقابل سند رسمی قرار تأمین صادر کند ممکن است مورد دیگری که آقای وزیر عدلیه می فرمودند اسباب معطلی میشود و آقای آقا سید یعقوب در ضمن فرمایشاتشان که این باختیار خود مدعی است که دوسیه او از رشت هم بیاید و اسباب معطلی نشود خودش خواسته است بنده یک فرض دیگرش را عرض میکنم که اگر یک مدعی در ضمن جریان دعوی فهمید که دعوائش بی اساس است و اگر محاکمه را ادامه بدهد محکوم میشود برای خاطر این که فرجه پیدا کند تقاضای تأمین میکند که مدعی علیه را متزلزل کند و محکمه هم که رد کرد برود استیناف بدهد از آن قرار و حال آنکه نظر بر این است که فصل خصومت هر قدر تأیید شود و زودتر بهر وسیله که بشود قطع کرد خصومت را بهتر و مفید تر است از آن طرف هم قوانین موجوده معین کرده است که در چه مواردی میشود تقاضای تأمین کرد از محکمه بعلاوه در این قانون هم که پیش بینی شده است همیشه در هر مورد تجدید تقاضای تأمین ممکن است بشرط داشتن دلایل جدید بنا بر این دلیل ندارد که ما اجازه بدهیم قرار رد تأمین قابل استیناف باشد و مجدداً اسباب اشکال فراهم کنند چون همانطور که گفته شد اگر دلایل جدیدی ندارد و باستناد ادعای خودش در محکمه ابتدائی که تقاضای تأمین کرده بود و رد شد بخواند استیناف بدهد که بی فایده است اگر هم دلایلی جدید دارد که حق دارد بهمان محکمه مراجعه بکند و دیگر در مورد رد نباید ما قبول کنیم که بی جهت اسباب اشغال اوقات محاکم استیناف فراهم شود. بعلاوه آقایان

شما تصور میفرمائید - در همین استیناف طهران الان حوزه های متعدد ابتدائی هست که کارهای استینافی شان بمرکز احاله میشود و اگر بنا باشد که تمام قرار های رد تأمین قابل استیناف باشد بهمان اندازه که در ماهین دعاوی در استیناف دو سیه جمع میشود بهمان اندازه هم دو سیه رد تأمین جمع میشود و اسباب زحمت استیناف میشود و امور در آنجا بی نهایت متراکم میشود و ایجاد مشکلات بی شماری خواهد کرد بنظر بنده باصراحت قوانین و با این که فعلاً اوضاع تشکیلات عدلیه ما طوری است که باسانی تحلف از قوانین ممکن نیست آقایان محترم هم نباید تکراری داشته باشند و در یک موضوعی که خیلی واضح است این قدر بحث نفرمایند.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

تبصره ذیل را بماده دوازدهم پیشنهاد میکنم:

تبصره - در موارد مذکوره در ماده ۳ قرار رد تأمین مدعی به قابل استیناف خواهد بود. احتشام زاده
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده یک توضیحی که متصل

ندارم و چون دلایل این مسئله هم گفته شده بنده بی آنکه وقت مجلس را زیاد اشغال نکنم و نظریه اکثریت مجلس هم معلوم شده است که با این قسمت موافق نیستند لذا پیشنهاد خودم را مسترد میکنم

رئیس - آقای روحی میل دارید به پیشنهادتان در گرفته شود؟

روحی - خیر بنده هم مسترد میکنم

رئیس - رای میگیریم بماده دوازدهم آقایان موافق قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۳ - در صورتیکه مستدعی تأمین بموجب حکم قطعی محکوم ببطالان دعوی شد طرف او حق خواهد داشت خساراتی را که از تأمین باو متوجه شده است مطالبه کند

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای کازرونی.

کازرونی - عرض کنم بنده البته اصولاً موافق هستم لیکن دلم میخواست در این قسمت حضرت آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که در بعضی موارد مطالبه خسارت

از روی چه میزان و مدرک خواهند کرد؟ عرض کنید یک تاجر بی بتاجر دیگر ادعای ده هزار تومان کرد تمام سرمایه تاجر مدعی علیه هم ده هزار تومان است و درازای مدعی به توقیف شد و تجارتش بکلی از بین رفت

مذازی یکی دو سال محاکمه تمام شد و معلوم شد که مدعی باطل بوده است حالا چه کار کند؟ اعتبارش که بکلی از بین رفته است اعتبار عوض دارد؟ اعاده حیثیت او

میرکن است چطور جبران خسارت او میشود روی چه میزان و مدرک؟ می رود ازش معذرت می خواهد؟...

دستی - در روز نامه هم اعلان می کنند.

کازرونی - یا بقول آقای دستی در روز نامه اعلان می کنند؟ همچو گمان می کنم باشد خوب همینقدر کافی است که بی چون مدعی علیه بی تصریح بوده است او تبرئه شده است و مدیون نیست مال توقیف شده بدست او داده شد همین؟ پس اعتبار او چه میشود و این روی چه میزانی معین خواهد شد و برای آن تاجر بی گناه و بیچاره که بنده تجارتش کسبخته شده چه فکری خواهد شد؟ در هر صورت اگر این را توضیح میدادند خوب بود و ممنون میشدم چون اعاده حیثیت مشکل است برای آن تاجر بی گناه

رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - بطوری که در خود ماده تصریح شده است خسارتی که از تأمین برای مدعی علیه حاصل میشود آفندری است که بتواند با دلائل و اسناد ثابت کند و محکمه مکلف است بر طبق دلائل و اسنادی که او ارائه میدهد حکم بدهد و اینجا میزان را هیچ نمیشود معین کرد مدرک آنها اسنادی است که مدعی علیه ارائه میدهد ممکن است در یک تأمین پنج برابر اصل مدعی به خسارت بمدعی علیه وارد شده باشد و وقتی بدلائل رسیدگی شد و دیدند صحیح است از مدعی خسارت میخواهند ولی میزان را در قانون نمیشود معین کرد هر قدر دلائل اقامه کرد و سند داد و محکمه هم حکم داد خسارت میگیرند.

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - عرضی ندارم

رئیس - رای میگیریم بماده. موافقتین باماده.

مخبر - احازه میفرمائید یک توضیحی بنده عرض کنم؟ این جا آقای کازرونی فرمودند که اعتبار مدعی علیه از بین می رود و باید از مدعی جبران آن را خواست اینجا نظر قانون را باید گفت که فردا از صورت مجلس اگر خواستند استفاده کنند بدانند نظر چه بوده است اینجا

در ماده مقصود از ضرر فقط و فقط ضرر مالی است و تنها ضرر مالی مقصود است...

کازرونی - پس آقای احتشام زاده بیجا گفتند؟

مخبر - ایشان نظر خودشان را گفتند تنها خسارت خسارت و ضرر مالی است اگر یک کسی مدعی شود که مال مرا بعنوان تأمین مدعی به توقیف کردی شرف من رفت این دعوی مسموع نیست فقط از نقطه نظر خسارت مالی است هیچ نظر دیگری نیست و بالاخره نظیر این را ما خیلی داریم و بالاخره این مسئله حقوقی

است و در مسائل حقوقی فکر هائی بیش از این نمیشود کرد در کار های جزائی هم نمیشود کرد بالاخره شخصی را متهم میکنند بجنایتی آقای کازرونی دو سال هم بر اثر قرار مستنطق او را توقیف میکنند به تعقیب مدعی العموم میرود به محاکم و بالاخره تبرئه میشود چاره نیست بعضی چیز ها هست که چاره ندارد و باید اینها پیش ما محرز باشد و الا اصلاً تشکیل پارک ها و ادارات مدی عمومی لغو میشود اینجا که چیزی نیست اینجا حبس دارد دو سال حبس بوده است حبس هم تدارک ندارد دیگر و خبیل بیش از این چیزی است که شما فرض کرده اید در هر صورت مقصود خسارت مالی است (صحیح است)

کازرونی - نشد .

رئیس - موافقین با ماده سیزدهم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود: قسمت دوم - در اقسام تامین مدعی به و محکوم به ماده چهاردهم - تامین عبارت است از توقیف اموال منقول و غیر منقول

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم .

رئیس - مخالفی نیست

بعضی از نمایندگان -- خیر

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده پانزدهم قرائت میشود: ماده پانزدهم - اموالی را که مطابق قوانین راجعه با اجرای احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان زمین توقیف نمود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم
رئیس - آقای حاج سید محمود

حاج سید محمود - اگر مدعی به خود استنباط باشد چه باید کرد ؟

مخبر - اگر مدعی به خود مستثنیات باشد یکی از مستثنیاتی باشد که قبلاً عرض کردم از نظر قانونی هیچ فرقی نمیکند برای اینکه اگر مستثنیاتی که قبلاً عرض کردم خدمت تان در شور اول مثلاً لباس اهل خانه مثل تفنگ بالاخره اگر فرضاً تفنگ یا شمشیرش یا لباسش مدعی شد این را نمیشود بعنوان تامین توقیف کرد از تنش در آورد توقیف لباس نظامی را که نمیشود کرد بالاخره مستثنیات دین قانوناً محقق است چیزی هائی است مثلاً بیل زراعتی کاو آهن فرضاً آجر خورده هم مورد دعوی واقع شود اینها را نمیشود تامین کرد چرا ؟ چون بدرد کارش میخورد ممکن است خراب کردن جبران نا پذیری ایجاد کند که نشود جبران کرد شارع هم که مستثنی کرده است باین نظر بوده است و بگذارید ماده را همینجور باشد .

کازرونی - خبیل هم درش حرف تزئید خراب نرود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - اگر مدعی به یا محکوم به غیر مستثنیات دین باشد آنوقت چیز هائی را که از مستثنیات دین است نمیشود تامین کرد این يك چیز واضحی است ولی اگر چنانچه کسی از کسی طلب دارد و او چیزی دیگری ندارد غیر از گاو که عامل زراعتی است گاو را نمیشود توقیف کرد ولی اگر اصل خود مدعی به باشد یعنی گاوی را فروخته و طرف طلب را نمیدهد حالا سر این گاو مرافعه دارد

آقا سید یعقوب - عوضش خرش را بکار بیندازد دکتر طاهری - اصل خود گاو را که نمیشود توقیف کرد چون از مستثنیات است چه میکنند ؟ (همهمه) در آنوقت هم همینطور است فلسفه ندارد که اگر خانه را فروخته است و پولش را نداده حالا این خانه را نمیشود تامین کرد در صورتیکه این در وقتی است که مدعی به و محکوم به غیر از مستثنیات دین باشد و مستثنیات دین را نمیشود تامین کرد .

وزیر عدلیه - (آقای داور) اگر آقا مراجعه بکنید به باب اجرا مستثنیات دین را بطوریکه در آنجا نوشته شده است ملاحظه میکنید که در آنجا يك چیز هائی است که حتی الامکان وقتی دست بان چیز ها باید زد که مطمئن باشیم طرف حق میگوید و آن پس از ختم محاکمه است پس بنا بر این اگر بگوئیم کاو خودش مورد ادعا باشد چون شخم میکند و اسباب کار او است با احتمال اینکه این شخص حق میگوید نمیشود آن را گرفت و شخصی را از کار باز داشت باید تامل کرد پس از حکم فهمید تکلیف چیست بنده تصور میکنم تا هم موافقت فرمایند بهمین ترتیب که اسباب زحمتی هم بعد توایند نشود .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می بریم به ماده پانزدهم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده شانزدهم قرائت میشود: ماده شانزدهم - تامین مدعی به یا محکوم به بتوقیف مقداری اموال منقول یا غیر منقول مدعی علیه یا محکوم علیه متناسب با میزان مدعی به یا محکوم به باشد بعمل آید هر گاه مدعی به یا محکوم به عین معین باشد

مادام که توقیف آن عین ممکن است توقیف سایر اموال ممنوع است باستثنای آنچه راجع به محصول در این قانون مصرح است .

رئیس - نظری نیست در این ماده: (اظهاری نشد) موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفدهم قرائت میشود: ماده هفدهم - مدعی علیه یا محکوم علیه میتواند تقاضای تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر نماید مشروط بر اینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد و نیز مدعی علیه و یا محکوم علیه میتواند با دادن ضامن معتبر تقاضای رفع توقیف نماید در مواردی که عین مدعی به یا عین محکوم به توقیف شده باشد تبدیل تامین منوط برضایت مدعی یا محکوم له است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - تامین مدعی به يك حقی است برای مدعی یا محکوم له در مقابل این جا ارفاقی میشود برای مدعی علیه یا محکوم علیه که اگر خواست تبدیل کند به مال دیگری که از حیث قیمت کمتر نباشد ممکن است و همینطور اگر بخواهد ضامن هم بدهد ممکن است بعد يك استثنائی میکند آخر ماده که اگر عین مدعی به یا محکوم به تامین شده باشد این ارفاقیکه نسبت به مدعی علیه و محکوم علیه میشد یعنی اجازه داده میشد که ضامن بدهد و تبدیل کند دیگر نمیتواند بکند . یعنی اگر چنانچه بخواهد محکوم علیه یا مدعی علیه تبدیل کند بدون رضایت مدعی یا محکوم له البته نمیشود ولی اگر بخواهد ضامن بدهد بدون رضایت این تبدیلش ممکن نیست در آخر میگوید در مواردی که عین مدعی به یا عین محکوم به توقیف شده باشد تبدیل تامین بسته برضایت مدعی یا محکوم له است . ولی ضامن خیر در

صورتیکه دادن ضامن هم باز باید برضایت مدعی یا محکوم له باشد

وزیر عدلیه -- اینجا اعتراضی که آقای نماینده محترم کردند وارد است مقصود ما هم همین است وقتی که عین مدعی به یا محکوم به توقیف شده باشد تبدیل کردن یا ضامن دادن ممکن است فرضا يك اسبی است که آن اسب را همان ترتیب نامیدن کرده است عین مدعی به است حرفی هم نیست علاقه هم دارد که آن اسب تبدیل نشود و اگر امروز آمد و تبدیل خواست اینجا باید برضایت مدعی باشد بدون رضایت او ممکن است از بین برود و شما هم می خواهید نامین بکنید خیلی از موارد است که اگر شما بخواهید تبدیل مدعی به را بکنید یا بستی با رضایت مدعی باشد و البته همانطوری که تبدیل را میشود کرد ضامن را هم باید قبول کنیم اگر مدعی رضایت داشته باشد بنا بر این یک پیشنهادی ممکن است بکنید باینکه نوشته شود تبدیل نامین یا قبول ضامن منوط بر رضایت مدعی است. (صحیح است)

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقا سید یعقوب -- آقای وزیر عدلیه اینجا دو مسئله است که میخواهم عرض کنم عقیده ما این بود که یک تسهیلی برای مدعی علیه بکنیم از جمله تسهیلاتی که برای مدعی علیه قائل شدیم این بود که گفتیم در صورتیکه الزام باشد در ماده پنج برای قاضی که نامین بکند اگر آمد و مدعی علیه ضامن پیشنهاد کرد اینجا برضایت مدعی باشد بنده عقیده ام این بود آقای وزیر عدلیه (شاید حالا نظرم خطا رفته باشد) که ضامن در اینجا یکی از تسهیلات بر مدعی علیه است ما که آمدیم در ماده پنج الزام کردیم که باید حتما نامین بشود ما سه طرف را اینجا قائل شدیم گفتیم برای خاطر تسهیلات برای مدعی علیه اگر آمد و ضامن داد ضامن هم الزامی باشد نه اینکه ضامن به میل مدعی باشد و آن چیزی را که بنده عقیده ام بود و عقیده هم دارم و گمان میکنم اعضاء کمیسیون هم متوجه باشند این

بود که ضامن یک تسهیلاتی باشد برای مدعی علیه باین جهت بنده اجازه خواسته بودم عرض کنم مسئله که خود آقای وزیر عدلیه باید حل کنند که در مقام عمل گیر نباشد مسئله ضامن معتبر است که اینجا که ما نوشتیم ضامن معتبر محکمه منط این را چه خواهد قرار داد چون کلماتی که بگفتمی مبهم است در مقام قضاوت و در مقام عمل اسباب زحمت میشود مثلا ضامن معتبر از چه قرار است در قانونی که برای بانک ملی نوشتیم اگر نظر تان باشد در جائی که کسی بخواند از بانک قرض کند در آنجا بیانی شد در ماده پنجم نسبت بضمامن معتبر يك اوصافی قائل شدیم حالا این هم نمیدانم نظر آقای وزیر عدلیه این است که این قانون بعد از آن باشد همان ضامن معتبری را که در قانون بانک ملی معرفی کردیم و بیان کردیم و اینجا ضامن معتبر همان است یا اینکه معنای دیگر دارد چون عین مدعی خواستم توضیحی در این باب بدهند

وزیر عدلیه -- فرمایشات آقای یکی راجع باین است که ببینیم ضامن گرفتن بسته است بنظر مدعی علیه برضایت او یکی دیگر این است که ببینیم آیا موافقتی است عین مدعی به نامین شده است آنوقت بایستی با تفاوتی بگذاریم و قبول ضامن را منوط بکنیم بر رضایت طرف اصولا لایحه طوری تنظیم شده است که اصل موافق با نظر شما است باین معنی که وقتی ضامن معتبر داد قبول آن با مدعی نیست باین ضامنت اساسا با محکمه است (صحیح است) بنا بر این پس اگر او خواست لجاجت کند در طرف ضامن میدهد و معتبر هم هست و او دیگر فلان اسباب و اثباتی من میخواهم نامین بشود این البته ازش نمی پذیرد اما مسئله عین مدعی اینجا يك امری است جداگانه در اینجا ما مجبوریم طوری که میگوئیم وقتی که عین مدعی به نامین است تبدیل نامین بدون رضایت طرف

کرد همانطور هم باید در مسئله ضامن بگوئیم وقتی که عین مدعی به است که نامین شده است ما نمیتوانیم ضامن را قبول کنیم با رضایت طرف. عین مدعی به ممکن است از نقطه نظر مالی تفاوت نداشته باشد يك چیزی باشد که اهبتی از برای طرف هم نداشته باشد و در اینطور مواقع هم البته سختی نخواهد کرد ای بسا یک ضامن معتبر را ترجیح میدهد که اسباب توقیف بدهد در بعضی موارد هم تصدیق میکنید که عین مدعی به اهمیت دارد نه تنها از نظر مالی که ما بگوئیم تبدیلش کند و مقابل این است که ضامن بیاید ازش ضمانت کند خیر از نقطه نظر اخلاقی و از نقطه نظر علاقه که دارد بآن جنس میگوید فلان چیز فرضا یک چیزی است که در خانواده بارث به ما رسیده است حالا یک کسی آمده است آن را بر داشته است درست او است عین او را ادعا میکند و عین او را می خواهد توقیف کند که از بین نرود علاقه بآن دارد ولو اینکه ممکن باشد شما بوسیله ضامن کاری بکنید که اگر عینش از بین رفت جبران کنید راضی نشود و حق هم دارد که راضی نشود پس در این قبیل موارد آمدیم بکنند یکی قائل شدیم گفتیم که اصولا ضامن بدون رضایت مدعی را همینقدر که معتبر شد ما قبول داریم ولی یک استثنائی برایش قائل شده ایم گفته ایم وقتی که عین مدعی به نامین شد حالا ضامن قبول نمیکند مگر اینکه مدعی راضی باشد اما در قسمت اینکه فرمودند ضامن معتبر این را باین عبارتی که نوشته اند کافی نیست خوب است آقا یک عبارتی بنویسید که کافی باشد ولی بنده تصور میکنم که بالاخره یک عبارتی شما تونید تعیین کنید که در هر مورد محتاج تفاوت نباشد مسئله اعتبار یک امری است که بایستی در هر مورد روی آن قضاوت کرد بنده نمیدانم شاید هزار تومان از يك نفر ضمانت کردم معتبر باشم اما اگر ده هزار تومان ضمانت کردم معتبر نباشم اعتبار بسته است باینکه بجه اندازه آن شخصی که آمده است ضمانت میکند ضمانت بکند و باید این را در موارد خاص خودش تشخیص داد و میشود با يك عبارت نوشت باید مطلب

را طوری بپردازیم که در هر مورد از موارد مثل يك مطر باشد که با نظور اندازه بگیریم بالاخره باید در اینجا يك عبارت مجملی گفت و عرف البته در موقعش تشخیص بدهد که معتبر است یا نه

کیا نوری -- در ماده بیست و يك تصریح دارد بعضی از نامیندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمة : پیشنهاد میشود در آخر ماده هفده بعد از عبارت تبدیل نامین اضافه شود با دادن ضامن

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری -- توضیحی همان بود که عرض کردم و آقای وزیر موافقت فرمودند

رئیس -- آقای وزیر عدلیه نظرتان چیست در پیشنهاد آقای طاهری ؟

وزیر عدلیه -- اجازه بدهید بنده گمان میکنم که دادن ضامن منوط برضایت مدعی نیست باید بنویسند قبول ضامن منوط برضایت مدعی است. افسر -- قبول ضمانت

وزیر عدلیه -- فرقی نمیکند قبول ضمانت یا ضامن رئیس -- (خطاب به آقای طاهری) همینطور تصریح میکنید ؟ قبول ضمانت (طاهری - بله) آقای مخبر نظرشان چیست ؟

مخبر -- موافقت میکنم.

آقاسید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- رای میگیریم اگر مجلس نخواست رأی نمیدهد

آقاسید یعقوب -- آخر بنده از اعضاء کمیسیون هستم باید رای بدهم

رئیس -- مذاکرات ختم شده است این پیشنهاد است
 آقای سید یعقوب -- من نمیدانم این چه طور است
 رئیس -- رای میگیریم بماده هفده با افزایش جمله
 که آقای دکتر طاهری پیشنهاد کردند و آقای مخبر و آقای
 وزیر عدلیه قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . به بنده یاد آوری میکنند
 که گفته شده است در پایان مجلس باید اعضاء کمیسیون
 عرایض و مرخصی و مبتکرات انتخاب شوند و برای
 اینکار تقاضا کرده اند که جلسه را ختم کنیم اگر موافقت
 میفرمائید جلسه آینده .. آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید؟
 [۶ -- استرداد لایحه منع ورود نقره و تقدیم
 یک فقره لایحه از طرف وزارت معارف]
 وزیر عدلیه -- لایحه در چند جلسه قبل تقدیم شده

بود زاجع بمنع ورود نقره چون این لایحه باید درش منتهی
 شود و از طرفی دولت عملاً اقدام کرده است راجع بنقره
 نقطه نظر مصالح عالییه ملاکتی بتمام گهرکات دست
 جلوگیری داده است اگر چند روزی هم تأخر شود
 با مطالعه این کار بشود اشکالی نخواهد داشت این است
 بنده آن لایحه را از طرف دولت استرداد میکنم و یک لایحه
 هست که از طرف وزارت معارف تقدیم میکند که یاد
 بکمیسیون برود

[۷ موقع جلسه بعد -- ختم جلسه]

رئیس -- اگر موافقت میفرمائید جلسه آیندگی
 یکشنبه ۲۷ بهن ساعت هفت و نیم بعد از ظهر
 دستور بقیه دستور امشت
 (مجلس ده ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر